

زرتشت

مهمترین شعار زرتشت : پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک

آیین " پیر سبز " زرتشتیان



ظهور زرتشت

در فضائی که کاهنان، ساحران، آتشیانان بی شمار به بهانه وساطت صدها خدا و خدای نما مردم ساده را گوسفندوار به کنار قربانگاهها، معابد و آتشگاه ها میکشیدند و با اوراد و آداب و اعمال اسرار گونه به جلب توجه قدرتهای ساختگی مافوق بشری تظاهر می نمودند؛ در محیطی که انسانها با وحشت و هراس به هر پدیده طبیعی مینگریستند و در هر گوشه ای به انتظار برخورد با موجودات عجیب و مافوق الطبیعه بودند. در دورانی که بشر خود را اسیر نیروهای خارق العاده و رام نشدنی میدانست و امیدوار بود سرنوشت خویش را با شرک و بت پرستی، نیایش مردگان و هراس از زندگانی که با خرافات و شعائر و آداب بدوی آمیخته شده بود تحول بخشد. ابرمردی ظهور کرد که پیام نافذ یگانه توحیدش و صدای پر طنین حق پرستیش مرزهای زمان و مکان را در هم ریخت و از لابلای قرون و اعصار تاریخی جهل را در نوردید و به فضاها و مکانهای دور پراکند.

او مبشر سرور و صفا و راستی و محبت بود و مبلغ اراده و اختیار و کار و فعالیت. او بر آن شد که سرنوشت بشر

را از کف اختیار خدایان و کاهنان، رمالان و سرداران و سردمداران بدر آورد و در دستهای پر توان و سازنده انسانهای راست پندار و راست کرداری که جز در مقابل حق سر فرود نیاورند قرار دهد. و همین امر موجب اشاعه سریع اندیشه های او و سربلندی ایرانیان آگاه گردید. سرودهای مذهبی که از اعصار بسیار کهن بنام (گاثاها) بر جای مانده است بخشی از پیام های زرتشت است که با رسالتش انقلاب فکری عظیمی را در اندیشه بشری پایه گذاری کرد. این اندیشه والا هر چند ابتدا به ظاهر پیروان بسیار نیافت ولی در بسیاری از مکاتب فکری و مذهبهای دورانهای بعد اثر خود را بجای گذاشت.

آریاها احساسات و عواطف و معتقدات خود را بیشتر در لباس شعر و سرود نمایان می ساختند و گفتار منظوم از هنرهای جالب توجه آنان بشمار میرفت. به ویژه میتولوژی و اسطوره های مذهبی و فولکلوریک خویش را به صورت حماسه و شعر میسرودند که حفظ کردن و انتقال آنها نیز بسیار آسانتر صورت میگرفت. سرودهای ریگ ودای آریاهای هند از کهن ترین نمونه های این اسطوره ها و معتقدات مذهبی منظوم است. سرودهای زرتشت و سرانجام سروده های نغز و دلکش گویندگان قدیم پارسی را که در ادبیات جهان بی نظیر است میتوان نشانه های جوان تری از این هنر آریایی دانست.

گاث یا به زبان اوستای قدیم "گاثا" به معنی سرود است و در زبان سانسکریت یا زبان آریائیان هند، نیز همین مفهوم را دارد. در پهلوی یا زبان ایرانیان دوران ساسانی نیز "گاث" به معنی سرود بوده است. نام حقیقی زرتشت به آنگونه که در گاثاها آمده «زرتوشتره اسپیتامه» است. یونانیان، زرتشت را "زرو آستر" می نامیدند و معتقد بودند که این نام را کلمه آستر یا استر (ایستار) به معنی ستاره مشتق شده و مفهوم آن ستاره شناس بوده است.

پروفسور گیگر خاورشناس مشهور آلمانی معتقد است که برخی از یونانیها نام او را ترکیبی از کلمات زئیرا

به معنی نیاز و استر (استار) به معنی ستاره میدانستند که رویهم مفهوم آنکه به ستاره نیاز می برد (یا مدد میگیرد که همان محاسبات نجومی است) داشته است. بهمین جهت گاهی هم زرتشت را استروتوتم یا فرمانروای ستارگان (که همان عالم آگاه بر ستارگان باشد) می نامیدند.

رستاخیز زرتشت و تعلیمات وی

آئین اوستا خود به خود بوجود نیامده بلکه دارای مؤسس است که از آن طریق مندرجات اوستا را با کیش قدیم آریایی و آئین شرک ایران مقایسه می کنند و تحویلی را نمایان می بینند که تحقق پذیرفته و دین جدید در آنزمان تأسیس شده است. از طرفی زرتشت در گاتها از خویشتن چون انسانی ساده سخن می گوید، نه چون یک وجود افسانه ای. از خداوند متعال (اهورامزدا) به او وحی شده است که آئین خود را به هم میهنانش و همچنین خانواده ای که در زندگانی او سهم عمده داشته اند و در تبلیغات کمک کرده اند اعلام دارد، با این ترتیب مطالعه منشاء و مبدأ دین زرتشت به طریق قانع کننده ای مشکل و شاید غیر ممکن می باشد، زیرا مهمترین مدرکی که درباره این دین بدست ما رسیده است کتاب آسمانی همان دین می باشد که به نام (اوستا) موسوم و حقیقت امر این که کتاب اوستا هشتصد سال بعد از زرتشت پیامبر این دین نوشته شده است، این کتاب شامل سه بخش و از مبادی مختلف میباشد.

گاتها که قدیمی ترین قسمت های اوستا و شامل سرودها است در زمان هخامنشیان تدوین یافته و قسمتهای دیگر اوستا در زمانهای بعدی درست شده است، در زمان ساسانیان همه قسمت اوستا را جمع آوری کردند و هم در این دوره بود که اوستا (تمام کتاب اوستا) تدوین یافت و این خود در دوره ای بود که آئین زرتشت دین رسمی و انحصاری سراسر ایران زمین شده بود. زرتشت در کتاب مقدس اوستا (زاراتوشترا) خوانده شده است.

مطابق آنچه که از اوستا معلوم میشود، زرتشت در «مدي» بدنیا آمده و از میان طایفه ای از مغ ها برخاسته است و این طبقه و طایفه در حقیقت از مردم عاقل و اهل نظر و فیلسوف و دانشمند ملت ایران بود. وقتی زرتشت به سن ۲۰ رسید از دامهائی که افسونگران و جادوگران و احضار کنندگان ارواح برای او درست کرده بودند گریخت و از دنیاکناره گیری کرد و این عمل برای این بود که خود را آماده اجرای فرمان آسمانی که به او وحی شده بود نماید.

در سی سالگی به الهامات و وحی های آسمانی رسید که در آنها امشاسپند و (هومانو) که به معنی پندار نیک است بنظر او آمد؛ و او را به آسمانها برد و به خدا نزدیک کرد. زرتشت دستورات خدائی را گرفت، به فواصل ده سال شش بار دیگر این الهامات به او دست داد، در چهل سالگی رسماً برای تبلیغ دین جدید به مبارزه و پیکار پرداخت. بیش از دو سال از ظهور او نگذشته بود که توانست با تبلیغ مؤثر پادشاه عصر یعنی (ویشتاسب) را بدین خود برگرداند و به پشتیبانی همین پادشاه بود که زرتشت توانست همه ایران را به آئین زرتشتی آشنا کند و بدون ترس در همه جا دین خود را رواج دهد؛ زیرا دیگر نه از مجازات می ترسید و نه مانعی برای کار او وجود داشت، آنوقت گروه گروه مردم به دین او درمی آمدند و همه ایران از آن آگاهی داشتند. بیش از سی و پنج سال زرتشت به پشتیبانی و اجرای مراسم دین خود پرداخت و این بدون شک به کمک و پشتیبانی سلسله هخامنشی بود. وی در سن هفتاد و هفت در جنگی مقدس که علیه یورش قبیله (هیاوآ) می کرد زندگی را بدرود گفت؛ و یا بقولی با هفتاد تن از پیروانش در پرستشگاه بلخ حین نیایش و ستایش اهورامزدا بدست "براتور" نام تورانی به شهادت رسید. برخی از محققان نوشته اند که در دوران باستان چند نفر به نام زرتشت آمده اند که مروج عقاید زرتشت نخستین بوده اند؛ از جمله فریدون را زرتشت

تانی و جاماسب را زرتشت سوم دانسته اند که در زمان ویشتاب پدر داریوش ظهور کرده است.

زرتشت به دو عالم معتقد است: یکی روحانی یا « مینو » و یکی جسمانی یا « گیتی » و آنچه در عالم است به دو قسم تقسیم می کند؛ تقدیر یا « بخشش » و فعل یا « کنش » و حرکات افعال انسان را سه قسم می کند؛ اعتقاد یا « منش »، گفتار یا « گویش »، رفتار یا « کنش »، و وقتی انسان به مرتبه سعادت عالی رسیده و، به یزدان نزدیک شده و اهل بهشت است که هر سه چیزش اصلاح و دارای: اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک شده باشد. زرتشت می گوید، بنای آفرینش عالم بر اضداد است و این خاکدان میدان مبارزه نیکی و بدی یا جنود یزدان و اهرمن، و کائنات مابین گیر و دار این قوا واقعند و سعادت بشر بستگی به پیروی این دو چیز متضاد است و بهشت جاویدان منزل پیروان یزدان و صاحبان نیت و گفتار و کردار نیک است و دوزخ اتباع پلیدان و ارواح اهرمینی.

اعتقاد به ظهور آخرین منجی

به موجب مقررات آئین زرتشت هر هزار سال از دختری باکره از نطفه زرتشت نجات دهنده ای نمایان می شود، در هزاره سوم یعنی آخرین دوره (سوشیانت) ظهور می کند، مردگان زنده می شوند؛ حوادث آسمانی موجب ذوب شدن فلزات در دل کوهها می گردد؛ فلز ذوب شده برای مؤمنین شیر سرد و برای دشمنان دین، دردناک است، مردم بدکار و شیاطین نابود می شوند، نیکوکاران به آب زندگی جاوید میرسند. طبق مدرکی سوشیانت و بنا بر سند دیگر شخص زرتشت خودش آئین مزدا را تکریم و تقدیس می کند؛ خرای از جهان میرود و خوشی و شادی برقرار میگردد. کرگ لینگر مینویسد: در دین زرتشت مفهوم بزرگی وجود دارد که نه در آئین مصریان قدیم دیده می شود و نه در اندیشه های بسیار عمیق هندو، آن این است

که جهان داراي تاريخ است و از قانون تحول پيروي مي کند، وضع فعلي جهان را به مرحله نهاي رهبري مي کند، همه نيروها در کار خود بايد به آن راه بروند، در نظر زرتشت دنيا از برنامه استمرار تاريخ پيروي مي کند و ميدان جنگ است، مبارزه اي پر شور، نيروها را مقابل يکديگر قرار داده است و اين امر واجب است و نتيجه آن تکامل مردم با تقوي و بهره مندي از زندگي جاويدان است.

جايگاه برزخ

طبق آئين زرتشت بين بهشت و دوزخ جائي است که برزخ ناميده مي شود، و اين محل جاي کساني است که اعمال نيك و گناهان آنها يکسان است، اين دسته در برزخ تا روز واپسين خواهند بود و آنگاه که همه مردگان زنده شدند آنها نيز بيرون خواهند آمد، زيرا ديگر صاف و پاک شده اند و به مقر سعادت مندان خواهند رفت.

تأثير آئين زرتشت در يهوديان و دين مسيح

بطوريکه بيشتر محققان معتقدند با بررسي دقيق مي توان نفوذ آئين مزدا را در ادیان ديگر نمايان دید.

فتح بابل بدست کوروش کبير موجب شده، ميان ايرانيان و يهوديان رابطه برقرار گردد و به آنان اجازه داده شود که به کشور خويش بازگردند؛ در نتيجه، بسياري از اصول آئين مزدا در ميان يهوديان رواج يافت و سپس در معتقدات مسيحي نفوذ کرد، مکتب ثنوي، شيطان را در برابر خدا قرار ميدهد؛ عقیده به فرشتگان و زندگي جاويدان و معاد از اصول مزدیستا است که در ادیان مذکور دیده مي شود.

جشن های زرتشتیان



جشن هایی که امروزه زرتشتیان یزد برگزار می کنند همان جشن های ایران باستان است. زرتشتیان در هر ماه، هنگامی که نام روز و ماه با هم یکی می شد، جشن برگزار می کردند و آن جشن را به نام همان ماه می نامیدند.

این جشن های عبارت بودند از فروردین گاه، اردیبهشت گاه، خردادگان، تیرگان، مردادگان، شهریورگان، مهرگان، آبان گان، آذرگان، دی گان، بهمن گان و اسفندگان. از این میان جشن نوروز گان (فروردین گاه) و جشن های مهرگان و سده از همه مهم تر است.

جشن نوروز

زرتشتیان در شب قبل از نوروز، زمانی که تاریکی آخرین شب سال رنگ می بازد، بر بام خانه های خود آتش می افروزند و فردای آن روز با گستردن سفره هفت سین و چیدن خوراکی هایی که از قبل آماده کرده اند، جشن نوروز را آغاز می کنند.

یکی از این خوراکی ها پالوده مروارید است که از اوایل زمستان برای تهیه گندم و نشاسته آن دست به کار می شوند، شیشه یا سبزه از ضروری ترین لوازم سفره هفت سین است، از پنجه کوچک (۲۰ تا ۲۴ اسفند) زنان با همکاری هم به تهیه خوراکی های سنتی مانند نان شیر، کماج شیرین، نان پیه پیاز، حلوائ سن، حلوائ شکر می پردازند، همچنین آش هفت دونار یا ججه (gega) از هفت نوع

غلات و حبوبات تهیه می کنند و در مراسم مذهبی خاص خود مصرف می کنند.

جشن مهرگان

می گویند جشن مهرگان به مناسبت پیروزی ایرانیان بر (ضحاک) ستمگر به رهبری "کاوه آهنگر" بر پا شد. ایرانیان به شکرانه این پیروزی که در روز «مهر» (دهم ماه مهر روی داد، جشنی بزرگ بر پا کردند.

این جشن شش روز به طول می انجامد، در برخی از روستاها جشن مهرگان با ساز و شادمانی نیز همراه است و در روز پنجم جشن، گروهی از جوانان در محل آدریان یا سرچشمه قنات جمع شده و به شادمانی می پردازند.



از مراسم جشن سده

جشن سده

جشن سده همان جشن پیدایش آتش است که از عهد باستان تا کنون رواج داشته است. چون این جشن را در صدمین روز زمستان برگزار می کنند، آن را جشن «سده» می نامند. ایرانیان باستان، سال را به دو فصل تابستان بزرگ هفت ماهه و زمستان بزرگ پنج ماهه تقسیم می کردند. چون از روز اول آبان که زمستان بزرگ آغاز می شود تا دهم بهمن که روز برگزاری این جشن است صد روز می گذرد، این جشن را سده نامیدند.

جشن گاهان بار

در این زرتشت اعتقاد بر این است که «اهورامزدا» جهان مادی را در شش مرتبه آفرید و آن را «شش گاهان بار» می گویند و با زمزمه سرودی آن را جشن می گیرند و خدا را ستایش می کنند مراسم هر «گاهان بار» به مدت پنج روز ادامه می یابد. گاهان بارها را جشن های فصلی نیز می نامند، زیرا به طبیعت و کشاورزی مربوط است و نشان دهنده شش مرحله آفرینش آسمان، آب، زمین، گیاهان، جانواران و انسان است.

جشن های گاهان بار جزء جشن های مذهبی زرتشتیان محسوب می شود، در بامداد روز اول هر گاهان بار، در آدریان یا آتش ورهرام هر شهر، موبدان و مردم گرد هم می آیند و سرودهای اوستا را می خوانند پس از آن «لرک»- مخلوطی از هفت میوه خشک- پخش می کنند، «لرک» را روی چادری پهن و آن را با دانه انار و چند شاخه درخت مورد تزئین می کنند.

گاهان بارها عبارتند از:

- گاهان باریوزرم (از دهم تا چهاردهم اردیبهشت ماه آفرینش آسمان)
- گاهان بار میدیو شهم گاه (Maedio Shahem) (از هشتم تا دوازدهم تیر ماه، آفرینش آب)
- گاهان بار پیته شهم گاه (Paete Shahem) (از بیست و یکم تا بیست و پنجم شهریور ماه، آفرینش زمین)
- گاهان بار ایالرم گاه (Yalhrwrm) (از بیستم تا بیست و پنجم مهر ماه، آفرینش گیاهان)
- گاهان بار میدیاریم گاه (Maeiarem) (از دهم تا چهاردهم دی ماه، آفرینش جانوران)
- گاهان بار همسپت میدیم گاه (Hamas Path Meadem) (از بیستم تا بیستم چهارم اسفند ماه، آفرینش انسان)

اتاق آتش



جشن هیرومبا

هیرومبا جشنی است شبیه آتش افروزی جشن سده که هر سال در روستای «شریف آباد» اردکان برگزار می شود، تاریخ برگزاری جشن با گاه شماری بدون کیسه، هفته آخر ماه فروردین است.

زرتشتیان شریف آباد برای تهیه هیزم آتش هیرومبا به نیایشگاه «پیرهریشت» می روند، آن ها زمانی حرکت می کنند که پیش از غروب آفتاب به پیرهریشت برسند، آن ها اسباب و اثاثیه خود را با وانت یا الاغ می برند و شب در همان جا اقامت می کنند، سپیده دم روز بعد، مردان و جوانان پس از نیایش به صحرا می روند و بوته های خار را برای آتش هیرومبا جمع آوری می کنند، بانوانی که در پیرهریشت مانده اند، ناشتایی تهیه کرده و آن را به صحرا می فرستند پس از آنکه هیزم آماده شد مردان به پیرهریشت بر می گردند و مراسم چوب زنی انجام می شود، مراسم چوب زنی این گونه برگزار می شود، کسانی را که برای اولین بار در مراسم جمع آوری هیزم شرکت کرده اند یا در آن سال صاحب فرزند شده اند، بر سر دست بلند می کنند و یا شادی و سرور به او چوب می زنند، بستگان این شخص باید کله قندی تقدیم کنند تا او رها شود با این کله قند شربت درست می کنند و آن را می نوشند.

به هنگام عصر، هیزم ها را با وانت یا الاغ به شریف آباد می برند و میدان کنار آدریان انباشته می سازند، سپس آتش می افروزند و مراسم مذهبی را گرداگرد آتش برگزار می کنند.

در باره این بیماری بخوانید...

• پیشینه و جغرافیای یزد

بامداد روز بعد، زنان شریف آبادی به محل آتش هیرومبا می آیند، خاکسترها را کنار میزنند، گلوله های سرخ آتش در آتشدان گذاشته به خانه خود می برند، در خانه با

چوب سندنل، کندر دود کرده و ان را دور خانه می چرخانند، آنگاه خارج می شوند و به سوی آدریان شریف آباد بازمی گردند و آتش را به آتش بند (مسئول نگهداری از آتش) می سپارند، جشن هیرومبلا در گذشته در روستای «مزرعه کلانتر» نیز برگزار می شد.

این مراسم با اندک تفاوت در روستاهای «اله آباد» و «نرسی آباد» به نام «هیبدوگ» و در روستای «خرمشاه» به نام «شاخ شاخ درین» برگزار می شود.

منجی در زرتشت

آموزه های معاد، آخرالزمان، منجی و موعود در دین زرتشت، با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند. این آموزه ها در متون دینی زرتشت از اوستا تا پهلوی، دستخوش تغییرات و تحولاتی بوده اما صورت تکامل یافته اعتقاد به منجی و رستاخیز را که به طور کامل در متون پهلوی (متون دینی زرتشت در دوره ساسانیان) آمده، در آموزه های خود زرتشت و متون اوستا می توان یافت.

در اعتقادات زرتشتیان و به طور مشخص در متون پهلوی، جهان به نه هزار یا دوازده هزار سال کیهانی تقسیم می شود. در سه هزار سال پایان جهان، چندین منجی از نسل زرتشت ظهور می کنند که پس از آمدن «سوشیانس»، منجی موعود سوم، ظهور خواهد کرد.

واژه فراشگرد (فروش گرد) و فرشوکرتی از ریشه فراشا (frasa) به معنای جان تازه بخشیدن است، و از این روی به روز رستاخیز یا آخرالزمان فراشگرد می گویند که در آن زمان، حیات جدیدی به جهان داده می شود.

طبق اعتقادات زرتشتیان درباره آفرینش جهان، پس از اینکه اهورامزدا موجودات دنیوی را آفریده، اهریمن (خدای شر) نیز دست به خلقت مشابه زده و در کنار هر یک از مخلوقات اهورامزدا که سراسر نیکی بوده اند، آفریده ای سراسر بدی را همراه می کند. از این روست که جهان دچار آمیزشی میان خوب و بد شده است.

به هنگام فرشوکرتی (آخرالزمان) سوشیانت، یا همان منجی موعود، شرایط را برای شکست کامل اهریمن و نابودی او فراهم می کند. دنیا مرحله «جدایش» را تجربه می کند و دست اهریمن بار دیگر از این جهان کوتاه می شود.

بنا بر متون پهلوی، در آن روز و پس از به ثمر نشستن تلاش سوشیانت پیکرهای بی جان زنده می گردند و جهان نو می شود؛ بدی از بین می رود و نیکی سراسر جهان را فرا

می‌گیرد؛ دیگر اهریمنی وجود ندارد و اهورامزدا بر همه چیز سلطه می‌یابد و قوانین او بر جهان حکم فرما می‌شود. این حالت در طبیعت نیز اثر می‌گذارد.

دیگر مردم از قحطی و فقر نمی‌هراسند، زیرا به مرحله‌ای از کمال می‌رسند که خوراکشان معنوی خواهد شد.

طبق اعتقادات زرتشت، فرشوکرتهی نه تنها پایان خوب این جهان بلکه همان رستاخیز است، زیرا در آن روز جهان با ویژگی‌های کنونی‌اش از بین خواهد رفت و جهانی دیگر پدید می‌آید. در واقع معاد و رستاخیز در عالمی دیگر بپا نخواهد شد، بلکه همین جهان است که با نابودی اهریمن صحنه رستاخیز و بهشت موعود می‌شود.

در آیین زرتشت، جهنم و عذاب برزخ ابدی نیست، به هنگام فرشوکرتهی پروردگار، دسته‌ای از گناهکاران را از دوزخ رهایی می‌بخشد و آنان که بخشی از نیروهای اهریمنی را در وجود خود دارند با نابودی اهریمن نابود می‌شوند و جهان، سراسر بهشت خواهد شد.

مطابق این اسطوره، آخرالزمان و رستاخیز هر دو یک چیز هستند و رسالت موعود، فراهم کردن زمینه چنین رویدادی است. آغاز این بستر در سه دوره هزار ساله زمانی با آمدن زرتشت فراهم می‌گردد و پایان آن با ظهور سوشیانت انجام می‌پذیرد. بنابر این باور، زرتشت، پیامبر بزرگ ایرانی در آغاز هزاره دهم پا به عرصه گیتی گذاشت و به دینی الهام یافت. در پایان این هزاره منجی اول از نسل زرتشت، ظهور می‌کند. نام او هوشیدر است. با تولد او خورشید ده روز در وسط آسمان خواهد ماند و او در سی سالگی به مقام دیدار اهورامزدا می‌رسد. جهان برای مدتی از زشتی پاک خواهد شد، اما دوباره اهریمن چیره می‌شود. هوشیدر ماه، نام دومین منجی است که در پایان هزاره یازدهم از عمر جهان به دنیا می‌آید، او نیز رسالت خود را انجام می‌دهد (تا در پایان این دوره با برگشت ضحاک و کمک دیو آشموغ، حاکم ستمگر ایرانی بار دیگر عالم به تباهی کشیده می‌شود).

منجی سوم، سوشیانت مهم‌ترین منجی موعود ایین زرتشت، در پایان هزاره دوازدهم و آخر عمر جهان ظهور می‌کند. او نیز از نسل زرتشت است و چهره‌ای نورانی دارد و برخوردار از فره ایزدی است. او دیو آشموغ را که جلوه دروغ و گمراهی است، از بین می‌برد و به کمک یاراناش مظاهر اهریمن را یک به یک نابود می‌سازد. دیوان و تمام نیروهای اهریمنی شکست می‌خورند و به جای اولیه خود برمی‌گردند و با مجاهدت او تمام مردم و همه گیتی به کمال می‌رسند و رسالت زرتشت را به پایان می‌رساند. بنابر متون پهلوی زرتشتی، پیوند عمیقی میان سه مفهوم آخرالزمان، رستاخیز و منجی موعود وجود دارد، اما این سؤال همواره در ذهن زرتشت‌پژوهان وجود داشته که این باورها و به طور دقیق‌تر این افسانه‌ها را تا چه حد می‌توان به خود زرتشت نسبت داد؟ آیا دینی که زرتشت از آن سخن می‌گفت و اصول آن را تبلیغ می‌کرد، چنین باورهایی داشته است؟

نماز و روز در آیین زرتشت

در آیین زرتشتی نماز عملی اجباری و اعتیاد گونه نیست که بصورت برده وار و ترس از آدمی ظالم خوانده شود و یا تجارتي سود رسان نیست تا کسی برای رسیدن به ثروت و بهره لازم آنرا بجا آورد نماز در دین زرتشت خود شناسی است و در نماز باید اندیشه پالایش شود بر طبق اعتقادات دین زرتشت هر یک از موجودات ذره ای از اهورا مزدا را در خود دارند و این فروهر در وجود من شما و دیگران است برای همین است که این آیین تنها آیینی است که قربانی نمودن برای خدا در آن منع شده است حتی گیاهان و جمادات هم از این فروهر بی بهره نمی‌باشند. به همین خاطر است که آشو زرتشت در بخشی از نیایش خود می‌فرمایند: ((با فروتنی کامل پیش از همه چیز خواستارم که بهره ای از خرد مقدس خود را به من عطا فرمایی تا به همراهی درستی کردار و ضمیر پاک بتوانم خوشبختی روان آفرینش را (همه جهانیان) فراهم سازم)).

در مورد روزه در آیین زرتشت نیز باید گفته شود که روزه گرفتن و نخوردن آب و غذا بخاطر اینکه باعث سستی بدن و عدم فعالیت مفید و کار روزانه می شود حرام می باشد. چون این موارد در آیین زرتشت نکوهیده شده و بی کاری و تن پروری بشت نهی شده است و اما برای افراط نکردن در خوردن گوشت حیوانات روزهای دوم و دوازدهم و چهاردهم و بیست و یکم هر ماه زرتشتیان از خوردن گوشت پرهیز می کنند این چهار روز متعلق به چهار امشاسپند و همن : ماه و گوش و رام که از حامیان چهارپایان هستند می باشد.

اما نیایشی که امروزه در بین زرتشتیان متداول می باشد و خواندن آن نیازی به آداب و رسوم خاصی ندارد و در هر هنگام از شبانه روز می توانیم آنرا بخوانیم و سپاس خدای یگانه را بجای آوریم و نباید فراموش کنیم که این ما هستیم که به راز و نیاز و برقراری ارتباط با خداوند نیاز داریم و باید روح و روان خود را پالایش کنیم . این نیایش برگرفته از نیایش اشو زرتشت در یسنا ؟؟ می باشد و برای اجرای آن کافیست دستهای خود را بلند کرده و به پیروی از اشو زرتشت بخوانیم:

((با دستهای بر افراشته بسوی تو ای مزدا و با فروتنی کامل پیش از همه چیز خواستارم که بهره ای از خرد مقدس خود را بمن عطا فرمایی تا بهمراهی درستی کردار و ضمیر پاک بتوانم خوشبختی روان آفرینش را فراهم سازم. ای اهورامزدا بشود که با اندیشه نیک به تو نزدیک شده و با پیروی از قانون اشا به ارزشهای مادی و معنوی خود پی ببرم تا بدین وسیله دین داران را بسرای روشنی و خرمی و زندگی نیک هر دو جهان رهبری کنم . من این سرودهای ستایش خود را آنسان که پیش از این کسی نسروده نثارت می کنم ای اهورا ای روان راستی و ای نیک اندیش واقعی از تو درخواست می کنم تا در جهان نیروی فنا ناپذیر معنوی تجلی نماید . اینک تو را با ستایش خود فرا می خوانم بسویم شتاب و مرا از خوشبختی و کامیابی واقعی بر خوردار ساز. هنگامیکه با

منش پاک تو را با سرودهای ستایش فرا می خوانم اگام که مرا برای رهبری روان مردم جهان گماشته ای و از پاداشی که تو ای اهورا مزدا برای کردار نیک می بخشی خبر دارم و آماده ام تا زمانیکه مرا تاب و تواناییست بمردم بیاموزم که بسوی راستی راه پویند. ای مزدا بسوی من آی و مرا از بخشش منش پاک و راستی برخوردار ساز تا بوسیله آموزش آیین مقدست گمراهان و بدکاران را براه راست رهبری کرده و بر دشمنی بدخواهان چیره گردمای اهورا مزدا مبادا هرگز کار ناشایستی از من سر زند که مورد خشم تو قرار گیرم . ای راستی و ای اصل پاک منشی پیوسته می کوشم تا تو را بستایم ای کسی که آرزوهای ما را بر می آوری تو را از ته دل درود می گویم چه می دانم نمازیکه از روی ایمان و اعتقاد کامل انجام شود بدرگاهت پذیرفته خواهد شد . ای کسی که امید بهشت ما بسوی تست.))

درود فراوان بر روان زرتشت بزرگ و تمامی پیامبرانی که در جهت راستی و تعالی روح بشر گام برداشتند و جان خود را نیز در این راه فدا کردند . امیدوارم دوستان هم اندیش که در مورد نماز و روزه پرسش نموده بودند به پاسخ لازم رسیده باشند . با تشکر از خانم خادم (دبیر انجمن زرتشتیان) که مرا در این نوشتار یاری رساندن . همیشه پاک و اهورایی باشید.

منابع :

- ۱- تاریخ کیش زرتشت، مری بویس، ترجمه: همایون صنعتی زاده .
 - ۲- یشتها، ترجمه ابراهیم پورداوود .
 - ۳- زند هومن یسن، ترجمه محمد تقی راشد محصل .
 - ۴- نجات بخشی در ادیان ، محمدتقی راشد محصل .
 - ۵- دینهای ایران ، گنوویدن گرن .
 - ۶- اسطوره سوشیانت ، علی اصغر مصطفوی .
- برگرفته از کتاب "سیمای میراث یزد" ، انتشارات سازمان میراث فرهنگی

<http://www.farhangsara.com>